[223] أي مولايم تاكى در فراقت ناله بركشم [تاكى در انتظارت حيران بمانم]، باكدام گفتار تورا بستايم، وچگونه وبا چه زبانى آهسته باتو سخن گويم ؟ بسيار دشوار است بر من كه از غير تو پاسخ داده شوم وهم سخن گردم، بسيار سخت است بر من كه بر فراقت بگريم ومردم تو را واگذارند، بر من سخت ودشوار است كه بر تو ونه بر ديگران بگذرد آنچه گذشته است. آيا كسى هست كه مرا يارى دهد تا با اوهم ناله شوم ومدتي طولاني باهم بگرييم، آيازارى كننده أي وجود دارد كه أو را در حال تنهائى در زاريش يارى دهم، آيا چشم متألم از فرط گريه أي هست كه چشم من أو را برگريستن همراهى كند، أي فرزند پيامبر آيا راهى بسوى تو هست كه با تو ملاقاتي صورت گيرد [يا آن راه يافته شود]، آيا اين روز [تاريك غيبت] به فرداى ديدار جمالت مى رسد كه ما بهره مند شويم. كى شود كه بر چشمه هاي سيراب كننده ات برآييم وسيراب گرديم ؟ كى شود كه از آب زلال [ظهور] تو برخوردار شويم كه تشنگيمان طولاني شده ؟ كى شود كه هر بامداد وشامگاه به ديدارت مشرف شويم و ديده هايمان روشن گردد ؟ كى تو ما را وما تو را ببينيم در حاليكه پرچم پيروزى را بر افراشته وآشكارا ديده شوى. آيا مى شود كه پيرامونت گرد آمده باشيم وتو رهبرى مردم را عهده دار شده باشى، در حاليكه جهان را از عدل وداد پركرده، ودشمنانت را خوارى وعقوبت چشانده و، سركشان ومنكران حق را نابود فرموده باشى، ومتكبران را ريشه كن ساخته وستمگران را از بن براندازى وما بگوئيم: حمد مخصوص پروردگار جهانيان است.